

تحلیل انتقادی دیدگاه دونالدسون درباره امام حسین علیه السلام در کتاب مذهب شیعه

فاطمه فقیهی^۱، نفیسه امیری دوماری^۲

چکیده

امام حسین علیه السلام و قیام عاشورا از مباحثی است که خاورشناسان و اسلام‌پژوهان غربی آن را مورد توجه قرار داده‌اند. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، نظرات دونالدسون در کتاب مذهب شیعه در مورد امام حسین علیه السلام را بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نتایج حاصل از مطالعات دونالدسون در برخی موارد به دلیل استفاده از منابع اهل سنت یا استفاده از منابع مستشرقان دیگر و عدم استفاده از منابع معتبر تاریخی شیعی، تصویر مناسبی از امام حسین علیه السلام و قیام او ارائه نکرده است.

واژگان کلیدی: امام حسین پژوهی مستشرقان، دوایت دونالدسون، مذهب

شیعه، مستشرقان.

۱. مقدمه

باوجود آنکه مطالعات شیعی در غرب سابقه‌ای نه‌چندان کمتر از مطالعات اسلامی دارد وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال (۱۳۵۷/۱۹۷۹) نقطه عطفی در رشد ناگهانی این پژوهش‌ها از نظر کمی و کیفی بود. از آن زمان تاکنون مقالات و کتاب‌های بسیاری به صورت مستقل درباره شیعه و جنبه‌های مختلف آن در غرب منتشر شده است. گذشته از اختصاص میزهای تخصصی به این

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد علوم حدیث اگشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: faqih1374313@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

موضوع در همایش‌های بین‌المللی با موضوعات تاریخی و دینی، همایش‌های بین‌المللی با موضوعات تاریخی و دینی، همایش‌هایی هم به‌طور خاص درباره جنبه‌های مختلف تشیع برگزار شده است. رشد روزافزون علایق پژوهشی به این موضوع سبب تولد نشریات اختصاصی در این حوزه به زبان انگلیسی شده است. از این رو بحث‌های علمی در این زمینه روز به روز داغ‌تر می‌شود. واقعه عاشورا در تاریخ اسلام یکی از این موضوعات مورد توجه محققان و تاریخ‌نگاران است. این واقعه تاریخی چنان اهمیتی دارد که به‌نظر برخی از شیعه‌پژوهان آن را باید نقطه بروز و ظهور تشیع محسوب کرد. این حادثه در پی توسعه مطالعات شیعی در غرب از ابعاد قابل توجه تشیع برای محققان غربی بوده است.

آنچه ضرورت مطالعه در پژوهش‌های شیعی مستشرقان را پررنگ‌تر می‌کند توجه به این مطلب است که نظریه‌های غربیان، مجموعه‌ای است آمیخته از موارد صحیح و ناصحیح و ضروری است که محاسن و معایب زیبایی‌های کارهای آنها چه در متدولوژی و روش تحقیق و چه در نتایجی که بدان دست یافته‌اند مشخص و ارائه شود؛ یعنی باید تحلیل‌های آنها در مورد شیعه یا اعتقادات شیعی که ناقص یا ناسازگار با واقع است و گاه ممکن است به نتیجه‌گیری‌های ناصواب منتهی شود، مشخص و متمایز شود؛ چه این ناسازگاری ناشی از عدم درک صحیح یا کامل آنها در موضوعی خاص از برخی از حقایق مرتبط با اعتقادات شیعی باشد و چه ناشی از عوامل دیگر؛ زیرا از یک سو با توجه به آنکه کرسی‌های تدریس دینی در غرب برعهده همین پژوهشگران است و بخش قابل توجهی از نیازهای مطالعات دینی در غرب توسط آنها تأمین می‌شود آثار آنها منبع مطالعاتی دانش‌پژوهانی است که فراورده‌های آنها بدون تمایز گزارش‌ها و نتایج صحیح از ناصحیح و سره از ناسره ارائه خواهد شد. در برخی از موارد، پذیرش استنتاج‌های گاه بیگانه از اصول اعتقادات شیعی و بازگویی و ترویج آن توسط اندیشمندان نواندیش شیعه ممکن است در جوامع شیعی، توسط افرادی که کم مطالعه می‌کنند، پذیرفته شود. از این رو، استفاده علمی از محاسن آثار آنها و تصحیح علمی و اساسی مواردی از آن که با باورهای شیعی بیگانه است نیازمند مطالعه دقیق، روشمند و همسو با معیارهای علمی در آثار غربیان است.



کتاب مذهب شیعه توسط یکی از شرق شناسان به نام دونالدسون در مورد امام حسین علیه السلام و قیام ایشان نوشته شده است. هدف این کتاب، معرفی عقاید شیعی است. دونالدسون در این کتاب در مورد امام حسین علیه السلام بسیار به خطا رفته و حادثه کربلا را بسیار بد و با جملاتی بریده بریده و نامربوط نقل کرده است. در مورد نقد نظریات دونالدسون پنج مقاله نوشته شده است که عبارتند از:

- معرفی و بررسی اجمالی کتاب عقیده الشیعه از دکتر حسن حسین زاده شانه چي؛

- پژوهش های شرق شناسان درباره امام حسن علیه السلام از علی زهیر هاشم الصراف و ترجمه علی علی محمدی؛

- مقاله تصویر امام حسن عسکری علیه السلام در آثار غربیان از سعید طاووسی مسرور و علیرضا دهقانی؛

- بررسی و نقد نظریه دوايت.م دونالدسون در تبیین اصالت مهدویت اثر سیدرضی موسوی گیلانی و مسلم کامیاب.

- بررسی انتقادی آثار خاورشناسان درباره امام کاظم علیه السلام از سید قاسم رزاقی موسوی در مورد کتاب مذهب شیعه.

در هیچ یک از این آثار به طور خاص در مورد تحلیل انتقادی دیدگاه دونالدسن درباره امام حسین علیه السلام در کتاب مذهب شیعه پرداخته نشده است. پژوهش حاضر در نوع خود خاص است و دیدگاه های دونالدسون را تحلیل و بررسی می کند.

۲. معرفی دونالدسون

دوايت مارتین دونالدسون^۱، اسلام شناس آمریکایی و مبلغ کلیسای مشایخی است. وی در ۱۶ دسامبر ۲۷/۱۸۸۴ صفر ۱۳۰۲ در خانواده ای روحانی وابسته به کلیسای مشایخی در ایالت اوهایو

به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات در کالج واشنگتن و جفرسن در جنوب پیتسبرگ بود. در سال ۱۳۲۵/۱۹۰۷ به هند رفت و سه سال در کالج مسیحی فورمن در لاهور پاکستان تدریس کرد. وی سپس به آمریکا بازگشت و در مدرسه عالی الهیات هاروارد مطالعات علوم دینی را ادامه داد. در سال ۱۳۳۲/۱۹۱۴ در قالب مبلغ کلیسای مشایخی آمریکا به مشهد رفت. دونالدسون در مشهد به تحقیق درباره مذهب شیعه و تاریخ شیعه در ایران و عراق پرداخت. در سال ۱۳۰۶/۱۹۲۷ ش بااستناد به این پژوهش‌ها دکتری الهیات کالج واشنگتن و جفرسن به وی اعطا شد. دونالدسون در ۱۱ مه ۱۹۷۶/۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۵ درگذشت. (حداد عادل، ۱۳۷۵، ۴۰۵/۱۸) آثار وی بیشتر شیعه‌پژوهانه است. برخی از آثار او عبارتند از: مذهب شیعه یا تاریخ اسلام در ایران و عراق (۱۹۳۳)، محمد غزالی (۱۹۱۸)، سلمان فارسی (۱۹۲۹)، اندیشه امامت نزد شیعه (۱۹۲۱ و ۱۹۳۱)، قانون جدید ایران (۱۹۳۴)، ازدواج عرفی در اسلام (۱۹۳۶)، الکامل (۱۹۳۳).



۳. معرفی کتاب مذهب شیعه

کتاب مذهب شیعه^۱ یا عقیده الشیعه اثر دوایت م. دونالدسون، شرق‌شناس بریتانیایی از نخستین پژوهش‌های شرق‌شناختی در نیمه اول قرن بیستم است. (علی محمدی، ۱۳۹۵) این کتاب که به فارسی ترجمه شده است شامل یک دوره فرهنگ، تاریخ سیاسی، کتاب‌شناسی، عالمان شیعه، فرقه انحرافی و مباحث عمده کلامی است. با بررسی‌ها نشان می‌دهد که این کتاب نقدهای فراوانی دارد. این کتاب با رویکردی سنی‌مآبانه، روایی و گاهی تحلیلی، سعی کرده است کاری علمی را بررسی کند که در این بین برخی داوری‌های ناروا انجام شده است. به‌ویژه درباره امام دوم و سوم شیعیان بسیار به‌خطا رفته و مملو از داده‌ها و تحلیل‌های اشتباه است. کتاب در ۳۳ فصل تدوین شده که فصل نخست آن درباره خلافت از دیدگاه شیعه است. در این فصل به وقایعی از زندگی پیامبر ﷺ که در آن به مسئله خلافت امام علی ع تصریح شده مانند واقعه

غدیرخم اشاره شده است. فصل دوم درباره خلافت خلفاست. فصل سوم تا بیست و سوم به زندگی امامان شیعه تعلق گرفته است و در هر فصل، شرح زندگی و شخصیت ائمه علیهم السلام مطرح می‌شود. فصل سوم و چهارم نیز به امام علی علیه السلام اختصاص دارد. وی در هر فصل با اشاره به مشخصات فردی هر امام به وقایع مهم سیاسی و اجتماعی زمان آن امام مانند خلفای معاصر، قیام‌ها، مدعیان امامت می‌پردازد (کامیاب، ۱۳۹۶). شرح پدید آمدن حکومت آل بویه، وصف اماکن زیارتی شیعه، معرفی مجموعه‌های متقدم شیعی مانند کافی کلینی، من لایحضره الفقیه ابن بابویه، تهذیب والاستبصار شیخ طوسی، معرفی متکلمان بزرگ شیعه، شرح تعالیم امامیه مانند مفهوم امامت و بحث عصمت پیامبر و ائمه و شرح مذاهب انحرافی مانند بابیت و بهائیت از دیگر مطالب این کتاب است. ترجمه عربی این کتاب بانام عقیده‌الشیعه و هو کتاب عن تاریخ الاسلام فی ایران و العراق در سال ۱۳۸۴/۱۹۶۴ در قاهره و در سال ۱۴۱۰/۱۹۹۰ در بیروت چاپ شده است (حداد عادل، ۱۳۷۵، ۴۰۶/۱۸). دونالدسن در کتاب خود، فصل هفتم را به امام حسین علیه السلام اختصاص داده و در فصل هشتم نیز درباره کربلا مطالبی آورده است. وی کربلا را مهمترین زیارتگاه شیعی می‌داند. دونالدسون درباره امام حسین علیه السلام بسیار به خطا رفته و حوادث کربلا را بسیار بد و با جملاتی بریده‌بریده و نامربوط نقل کرده است.

۴. تعریف شرق‌شناسی

جنبه‌های مختلف مطالعات غرب درباره شرق و جوانب مختلف با اسامی استشرق، خاورشناسی، اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی شناخته می‌شود. (الویری، ۱۳۸۱، ص ۷) در زبان فارسی دو واژه شرق‌شناسی و خاورشناسی معادلی برای واژه‌های استشرق و «Orientalism» است. امروزه استشرق یا خاورشناسی در اصطلاح علمی و آکادمیک به تمام مطالعاتی گفته می‌شود که توسط غربیان درباره ملل شرق انجام می‌شود. این مطالعات می‌تواند مربوط به هریک از حوزه‌های دین، فرهنگ، علم، ادبیات، تاریخ و جامعه باشد. بنابراین، خاورشناسی، همه مطالعاتی را شامل می‌شود که از سوی غربیان درباره دین، فرهنگ، علم، تاریخ و ادبیات ملل مشرق‌زمین صورت گیرد

(شاگرد، ۱۴۰۰، ص ۲۴). اصطلاح شرق شناسی به معنای مجموعه فعالیت‌های اشخاص، نهادهای دانشگاهی، تبشیری-تبلیغی یا سیاسی به طور عمده با انگیزه شناخت تاریخ، فرهنگ و تمدن شرق و مسلمانان و چگونگی انتقال آنها از استاد به دانشجو و از نسلی به نسل دیگر است. این فعالیت‌ها مطالعه متون ادبی دینی فرهنگ‌های مختلف شرقی است در قالب تصحیح و نشر نسخه‌های خطی، خواندن کتیبه‌ها و احیای آنها، باستان‌شناسی، سکه‌شناسی، مردم‌شناسی و اسطوره‌شناسی (حداد عادل، ۱۳۷۵، ۱/۲۷).



۵. برتری امام حسین علیه السلام نسبت به امام حسن علیه السلام در روایت امام علی علیه السلام

دونالدسون روایتی را نقل می‌کند که در آن امام علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام را بر امام حسن علیه السلام برتری می‌داد و می‌گفت: «حسن ولخرج است و تنها به خوردن و ضیافت می‌اندیشد، اما حسین علیه السلام از من است و من از اویم». (دونالدسون، ۱۳۹۵، ۱/۱۷۳) در مورد این روایت نقدهایی وارد است که برخی از آنها بیان می‌شود:

- با بررسی منابع حدیثی، چنین روایتی از امام علی علیه السلام با چنین مضمونی وارد نشده است. قسمت آخر روایت که گفته است: «اما حسین از من است و من از اویم» چنین روایتی در منابع شیعه و اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است نه از امام علی علیه السلام که می‌فرماید: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا حُسَيْنٌ سَبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۵۲؛ اخطب خوارزم، ۱۳۸۱، ۱/۲۱۳؛ مفید، ۱۴۱۳، ۲/۱۲۷؛ طبرسی، بی‌تا، ص ۲۱۷؛ الترمذی، ۱۴۱۹، ۵/۴۷۵؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸، ۱/۱۵۲). دونالدسون این روایت را از مقاله لامنس که در دایره‌المعارف اسلام چاپ شده بود، نقل می‌کند. لامنس، مستشرق بلژیکی و روحانی کینه‌توز با اسلام است. آثار وی سرشار از تعصب و عاری از هرگونه انصاف در تحلیل مطالب و امانت در نقل و برداشت از متون است. او را به‌راستی می‌توان یکی از بدترین نمونه‌های مستشرقانی دانست که درباره اسلام اظهار نظر کرده است (بدوی، ۱۳۷۷، ص ۵۶۱). این روایت از دونالدسون که امام حسین علیه السلام را بر امام حسن علیه السلام برتری می‌دادند، صحیح نیست؛ زیرا ایشان خطاب به امام

حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می فرمود: «أَنْتُمْ إِمَامَانِ بَعْدِي سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالْمَعْصُومَانِ حَفِظْكُمَا اللَّهُ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى مَنْ عَادَاكُمَا» (خزاز رازی، ۱۴۰۱، ص ۲۲۱).

۶. طرح قتل ابن زیاد

دونالدسون در مورد طرح قتل ابن زیاد می نویسد: «وقتی ابن زیاد به کوفه آمد و دانست هانی به شدت بیمار است به دلیل دوستی اش با او بی درنگ برای احوال پرسی نزد وی رفت. هانی با مسلم دسیسه کرد تا مسلم و یارانش در خانه او مخفی شوند و هنگامی که ابن زیاد آمد، مسلم خود را به حیاط خانه برساند و چون ابن زیاد وارد شد و نشست، هانی صدا بزند قدری آب برایم بیاورید. با این علامت، آنان بیرون آیند و ابن زیاد را بکشند. با اینکه سه بار علامت داد، مسلم و افرادی نتوانستند کاری کنند.» (دونالدسون، ۱۳۹۵، ۱۷۸/۱) این واقعه را دونالدسون از کتاب تاریخ یعقوبی نقل می کند که یعقوبی این مطلب را خلاصه و متفاوت از منابع معتبر تاریخی دیگر نقل می کند. طبری در این باره به نقل از ابووداک می نویسد: «هانی بن عروه بیمار شد و عبیدالله برای عیادت وی آمد. عماره بن عبید سلولی به هانی گفت: تمام اجتماع و نقشه های ما برای کشتن این ستمگر است. اینک خداوند تو را بر او مسلط کرده است. او را بکش. هانی گفت: دوست ندارم در خانه من کشته شود. عبیدالله از منزل هانی بیرون رفت. یک هفته نگذشته بود که شریک بن اعور بیمار شد و او نزد عبیدالله و دیگر فرمانروایان احترام داشت. او شیعه ای متعصب بود. عبیدالله پیغام داد که امشب نزد تو می آیم. شریک به مسلم گفت: این فاسق امشب به عیادت من می آید. چون نشست، بیرون بیا و او را بکش. آن گاه در قصر بنشین که دیگر کسی مانع تو نخواهد شد و اگر من هم بهبود یافتم به بصره می روم و عهده دار امور آنجا می شوم و خاطرت را از آنجا آسوده خواهم کرد. چون عصر شد عبیدالله برای عیادت شریک آمد. مسلم بن عقیل خواست داخل شود؛ زیرا شریک گفته بود: تا نشست، فرصت را از دست مده، ولی هانی بن عروه جلوی مسلم برخاست و گفت: دوست ندارم در خانه من کشته شود.» گویا این کار را ناپسند می دانست. عبیدالله بن زیاد آمد و نشست و از بیماری شریک پرسید و اینکه چرا و از کی بیمار شده است. چون

پرسش‌های عبیدالله طولانی شد و شریک دید که مسلم بیرون نیامد و ترسید عبیدالله از دست برود شروع به خواندن این شعر کرد: «چرا به سلمی تهنیت نمی‌گویید؟ چرا به سلمی تهنیت نمی‌گویید. مرا سیراب کنید، گرچه جان من در خطر باشد.» او این شعر را دو یا سه بار گفت. عبیدالله که متوجه نشده بود گفت: «او را چه شده است؟ آیا هذیان می‌گوید. هانی برخاست و گفت: «آری، خدا، کارهایت را سامان بخشد. از سپیده دم تا الآن حالش چنین است.» آن‌گاه عبیدالله برخاست و رفت. مسلم بیرون آمد. شریک به وی گفت: «چه چیزی مانع کشتن عبیدالله شد. گفت: دو مطلب: یکی اینکه هانی خوش نداشت که او در خانه‌اش کشته شود و دیگر حدیثی که مردم از پیامبر ﷺ نقل می‌کنند: اسلام، غافلگیرانه کشتن (ترور) را دریند کشیده است و مسلمان کسی را غافلگیرانه نمی‌کشد» (طبری، ۱۳۸۷، ۳۶۳/۵).

در منابع تاریخی گزارش‌های طرح قتل ابن زیاد به صورت‌های مختلف بیان شده است، اما آنچه در بیشتر منابع معتبر تاریخی آمده است برخلاف دونالدسون است که گفته مسلم و افرادش نتوانستند، کاری کنند. براساس گزارش منابع مختلف، مسلم در پاسخ به شریک که از علت عدم قتل ابن زیاد توسط او می‌پرسد در پاسخ موانعی را مطرح می‌کند، البته پاسخ‌های مسلم در منابع تاریخی معتبر، متفاوت گزارش شده است. بسیاری از منابع، مخالفت هانی را یکی از علل اقدام نکردن مسلم دانسته‌اند. طبری و منابع دیگری که از او نقل می‌کند این دو مورد را بیان می‌کند: «یکی عدم خشنودی هانی از کشته شدن [ابن زیاد]، دیگری سخنی بود که مردم از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند [که آن حضرت فرمود]: ایمان مانع کشتن پنهانی [ترور] است؛ مؤمن کسی را نمی‌کشد [ترور نمی‌کند]» (دینوری، ۱۳۷۳، ص ۲۳۵؛ قمی، ۱۳۷۹، ص ۹۰؛ ابومخنف، ۱۳۸۰، ص ۵۰). برخی منابع به مخالفت همسر هانی اشاره کرده‌اند و نوشته‌اند: «وقتی عبیدالله از منزل هانی بیرون رفت شریک بن اعرور علت اقدام نکردن مسلم را پرسید. مسلم پاسخ داد: من به دو دلیل این کار را نکردم: اول گفتار پیامبر ﷺ و دوم اینکه همسر هانی قبل از ورود ابن زیاد سوگند داد که این کار را در خانه او انجام ندهم و ملتزمانه از من خواست که مرتکب قتل ابن زیاد نشوم» (مقرم، ۱۴۲۶، ص ۱۵۴).

۷. بررسی شخصیت امام حسین علیه السلام در دوره خلفای راشدین

دوایت دونالدسون در مورد حضور امام حسن و امام حسین علیه السلام در خانه عثمان از طرف حضرت علی علیه السلام می نویسد: «حسن و حسین علیه السلام هنگام شورش مدینه در کنار امام علی علیه السلام بودند. چون عثمان کشته شد امام علی علیه السلام یا واقعاً بر آن دو خشمگین شد یا اینکه به خشم تظاهر کرد؛ زیرا آنان به محل واقعه بسیار نزدیک بودند، ولی مانع قتل عثمان نشدند». (دونالدسون، ۱۳۹۵، ۱۷۲/۱) دفاع از عثمان هنگام محاصره بودنش از مطالبی است که به صورت مکرر در مصادر اهل سنت ثبت شده است. امام علی علیه السلام هنگام محاصره شدن خانه عثمان، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را برای دفاع از خلیفه به آنجا فرستاد و آنها تا پایان واقعه در آنجا حضور داشتند و در حمله محاصره کنندگان آسیب دیدند (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ۵۹/۱؛ ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ۱۳۰۴/۴؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۴۱۸/۳۹). گروهی از محققان شیعه این واقعه را مورد تردید قرار داده اند مانند سید مرتضی، علامه عبدالحسین امینی، باقر شریف قرشی و سید جعفر مرتضی عاملی و... آنچه اینها را به تردید واداشته، ماهیت حکومت عثمان، سیره حکومتی او و مغایرت آن با منش و روش امام علی علیه السلام و نیز حضور صحابه در حادثه حمله به خانه عثمان است. اسناد برخی از نقل ها به سعید بن ابی سعید مقبری منتهی می شود. رجالیان نامداری مانند ابن شیبیه، واقدی و ابن حبان گفته اند: «وی در چهار سال پایان عمر، مشاعرش را از دست داد». در مورد این نقل ها به چند نکته باید توجه کرد:

- نفی کلی این واقعه باتوجه به کثرت نقل ها کار آسانی نیست و توجیه این رفتار ازسوی امیرمؤمنان علیه السلام واضح است؛ زیرا امام علیه السلام می خواسته با این کار به دلیل موضع مخالفی که نسبت به خلیفه داشت مورد اتهام شرکت در قتل خلیفه قرار نگیرد. ازسوی دیگر، زمینه وقوع حوادث پرخاطر را برای جامعه اسلامی از میان بردارد؛ زیرا بهانه حوادث جمل، صفین و نهروان، خونخواهی خلیفه مسلمانان بود؛

- جزئیاتی که در برخی نقل ها آمده است مانند اینکه طلحه و زبیر، فرزندانشان را برای حمایت از عثمان فرستادند یا اینکه امیر مؤمنان علیه السلام با امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام پس از بازگشت

از خانه عثمان و کشته شدن خلیفه، تندی کرد به هیچ‌روی اعتبار ندارند. بطلان مطلب نخست بسیار واضح است؛ زیرا به اتفاق مصادر معتبر تاریخی، طلحه، زبیر و عایشه از سرسخت‌ترین دشمنان خلیفه بودند. بطلان مطلب دوم نیز از آن روست که باتوجه به معصوم بودن امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام جایی برای سستی در انجام وظایف نیست تا از سوی پدر مورد خشم قرار گیرند گذشته از آنکه امام علی علیه السلام بارها فرمود: «کشته شدن عثمان نه مرا شادمان می‌سازد و نه اندوهگین می‌کند».



- نقل روایت پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد شهادت امام حسین علیه السلام :

دونالدسون در این مورد به نقل از احمد بن حنبل روایتی را نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله یک‌بار با اندوه به امام علی علیه السلام فرمود: «جبرئیل فقط برای این نازل شده است که به من خبر دهد حسین بر کناره‌های شط فرات کشته خواهد شد». در ادامه دونالدسن می‌گوید که این حدیث، شاخص بسیاری از احادیثی دانسته شده که در آثار علمای متأخر شیعه آمده است (دونالدسون، ۱۳۹۵، ۱۸۳/۱). درباره روایت دونالدسون در مورد پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله درباره شهادت امام حسین علیه السلام باید گفت که این روایت از منابع اهل سنت نقل شده است، اما آنچه از بررسی منابع شیعه به دست می‌آید، این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وسیله اخبار الهی از شهادت فرزندش امام حسین علیه السلام در آینده خبر داشت. در مناسبت‌های مختلف از این موضوع سخن گفته و حتی در برخی احادیث، مکان شهادت حضرت را به صراحت متذکر شده است. در روایات زیادی از ایشان و فاطمه زهرا علیهما السلام و همسران و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله (با واسطه) مکرر، شهادت امام حسین علیه السلام را پیشگویی کرده‌اند. ابوبصیر می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هنگامی که حسین علیه السلام به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود ناگاه جبرئیل بر پیامبر وارد شد و عرضه داشت: ای محمد: آیا او را دوست داری. حضرت فرمود: آری. جبرئیل گفت: امت تو او را خواهند کشت. پیامبر صلی الله علیه و آله از این سخن بسیار غمگین شد، پس جبرئیل گفت: آیا دیدن خاکی که حسین روی آن کشته می‌شود تو را شادمان می‌کند. حضرت فرمود: بلی، پس جبرئیل فاصله بین محل نشستن رسول خدا صلی الله علیه و آله و کربلا را فرو برد به طوری که این دو قطعه زمین این‌گونه به هم متصل شدند (و دو انگشت سبابه

خویش را به هم چسباند). آن‌گاه جبرئیل با دو بال خود مقداری از تربت کربلا را برداشت و به رسول خدا ﷺ داد، سپس به یک چشم برهم زدن، زمین را گستراند (و به حالت اول برگرداند). رسول خدا ﷺ فرمود: خوشا بر تو ای خاک و خوشا به حال کسی که در تو ای کربلا کشته می‌شود» (طوسی، ۱۴۱۴/۱، ۳۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۸/۴۴).

امام علی علیه السلام در دوران خلافت خود بارها از شهادت ایشان خبر داده است. امام حسن علیه السلام نیز با این جمله از شهادت برادر خود خبر داده است: «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؛ روزی همانند روز [کشته شدن] تو نیست ای ابا عبدالله». این گزارش‌ها افزون بر پیشگویی‌هایی فراوانی است که خود امام حسین علیه السلام از شهادتش داشته است. در این پیشگویی‌ها علاوه بر شهادت امام علیه السلام جزئیات مربوط به برخی حوادث و شرایط آن مانند زمان و مکان شهادت، شرکت‌کنندگان در قتل و سران آنها و کسانی که از یاری وی امتناع می‌ورزند نیز دیده می‌شود (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ۳۳۱/۲).

۸. نقش دعوت و بیعت کوفیان در قیام عاشورا

دوایت دونالدسون در ادامه این جریان در مورد پاسخ امام علیه السلام به نامه‌های کوفیان و تصمیم ایشان می‌نویسد: «وقتی امام حسین علیه السلام در تدارک اجابت خواسته مسلم بن عقیل بود ابن عباس نزد او آمد و به این کار وی اعتراض کرد و گفت: عموزاده شنیده‌ام می‌خواهی به عراق بروی، بگذار به تو اطمینان دهم که مردم کوفه بی‌وفایند و تو را به سوی جنگ فرامی‌خوانند از تو می‌خواهم چنین باعجله اقدام نکنی. اگر تصمیم نبرد با این ظالم را داری، ولی فکر ماندن در مکه را نمی‌پسندی به یمن برو. برادران و یاران واقعی‌ات در آنجا هستند و آنجا در امان خواهی بود. اقامتگاه تو یمن است از آنجا می‌توانی نهضت خود را آغاز و با مردم کوفه و یارانانت در عراق نیز مکاتبه کنی آن‌گاه آنها می‌توانند والی خود را برانند اگر در این عهد پابرجا ماندند و والیشان را از خود راندند هیچ‌کس مخالف رفتن تو به عراق نخواهد بود، اما اگر نتوانستند این کار را انجام دهند، می‌توانی در جایگاهت بمانی تا خدا راه را روشن کند». امام حسین علیه السلام در پاسخ می‌گوید: «ای عموزاده! از

راستی و صداقت در این توصیه آگاهم، ولی از سوی دیگر مسلم به من نامه نوشته است که مردم کوفه در تأیید حق و دفاع از من با او بیعت کرده‌اند. بنابراین، باید دل به او بسپارم. ابن عباس سخن او را قطع کرد: آنها را آزموده‌ای؟ آنان اصحاب پدر و برادرت بودند. اگر فردا به جنگ حاکمشان بروی به محض اقدام به این کار این زیاد از قیام تو آگاه شده موفق به تهدیدشان خواهد شد. آن‌گاه آنها از یاری تو واهمه خواهند کرد. به خدا سوگند همان کسانی که به تو نامه نوشته‌اند دشمن تو هستند. اگر نصیحت من را نمی‌پذیری و به رفتن مصمم هستی از تو می‌خواهم زنان و کودکان را همراه خود نبری؛ زیرا بیم آن دارم همچون عثمان کشته شوی و زنان و کودکان شاهد ماجرا باشند». امام حسین علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند اگر در میدان جنگ کشته شوم بهتر از زندگی با ذلت در مکه است» (دونالدسون، ۱۳۹۵، ۱۷۶/۱).

همان‌طور که مشخص است دونالدسون مانند برخی از مستشرقین دیگر تصمیم رفتن امام حسین علیه السلام به کوفه را طوری تحلیل می‌کند که گویی امام حسین علیه السلام تصمیم خروج نداشته است و در نهایت نامه‌ها و بیعت کوفیان، این تصمیم را در ذهن ایشان برای خروج ایجاد کرد. اگر دعوت کوفیان در شکل‌گیری نهضت امام حسین علیه السلام نقش داشت، لازم بود که حضرت تا زمانی که صددرصد به همراهی آنها یقین پیدا نکرده است دعوتشان را پاسخ ندهد. به تعبیر دیگر، امام باید در این باره به پیشنهادها و نصیحت‌گرانه و دلسوزانه مانند عبدالله بن عباس عمل می‌کرد. ابن عباس تصمیم امام علیه السلام را برای رفتن به کوفه شنید. خدمت حضرت رسید و به ایشان گفت: «اگر کوفیان امیرشان را کشته‌اند و دشمنانشان را از شهرشان بیرون کرده‌اند به نزد آنها برو، اما اگر فرماندارشان هنوز فرمانروایی می‌کند و عاملان او در شهرها از مردم مالیات می‌ستانند و در این حال شما از شما دعوت کرده‌اند (در حقیقت) شما را به جنگ و کشتار خوانده‌اند».

اگر بیعت کوفیان یکی از علل قیام امام علیه السلام بود باید زمانی که امام علیه السلام از نقص بیعت کوفیان و شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه آگاه شد از ادامه قیام منصرف شده از باب اضطرار و حفظ جان با یزید بیعت می‌کرد؛ زیرا یاوران و هم‌پیمانان خود را از دست داده بود و با وجود این شرایط، تکلیف از او ساقط شده بود درحالی که بنا بر گزارش‌های تاریخی، امام از ادامه قیام خود

منصرف نشد، بلکه به اجبار از رفتن به کوفه منصرف شد همچنان که هنگام رویارویی با لشکر حر بن یزید در دو نوبت به آنها فرمود: «اگر شما مرا نمی‌خواهید من برمی‌گردم». یکی قبل از نماز ظهر بود که خطاب به سپاهیان حر فرمود: «اگر از آمدن من خشنود نیستید به جایی که از آنجا آمده‌ام بازمی‌گردم». دیگری بعد از نماز عصر که با لشکر حر چنین سخن گفت: «اگر شما (از پذیرش حق ما ابا دارید و) از ما ناخشنود هستید و رأی و خواسته‌تان اکنون به غیر آن چیزی است که در دعوتنامه‌هایتان نوشته‌اید و فرستادگانتان برای آن نزد من آمدند من از آمدن به سوی شما منصرف می‌شوم».

در این تعبیر امام علیه السلام باید دقت کرد که می‌فرماید: «اگر حق ما را نمی‌پذیرد و از نظر گذشته خویش برگشته‌اید از آمدن به سمت شما منصرف می‌شوم». همچنین فرموده است: «از نهضت خویش دست برمیدارم». این امر نیز شاهد روشنی بر این ادعاست که دعوت عراقیان دلیل انتخاب به کوفه برای مرکزیت قیام بوده است نه یکی از علل برپایی نهضت کربلا. بنابراین، دعوت مردم کوفه و حرکت امام علیه السلام به سوی آنها امری فرعی بود که در اثنای قیام پیش آمده است بدون آنکه در اصل شکل‌گیری نهضت حسینی نقش داشته باشد؛ زیرا پیمان شکنی آنها نیز در جلوگیری از ادامه نهضت حضرت تأثیر نداشت. در واقع امام حسین علیه السلام با پذیرش دعوت کوفیان و حرکت به سوی آنها به هردو وظیفه خود عمل کرد: یکی استمرار امر به معروف و نهی از منکر در برابر حکومت فاسد و بدعت‌گذار اموی و دیگری، اجابت دعوت شیعیانی که به دلیل نداشتن رهبر شایسته از وی خواستند که آن را برعهده بگیرد (پیشوایی، ۱۳۸۹، ۳۰۳/۲). دونالدسون در جای دیگر در مورد کوفیان می‌گوید: «همه سربازان شرکت‌کننده در نبرد عاشورا کوفی بودند و یک‌تن شامی در میان آنها وجود نداشت». شاید مهمترین ادله برای این بحث، سخنان سیدالشهدا علیه السلام قبل از وصول دعوت کوفیان و ترک مدینه است که تا ابد نهضت عاشورا را از هرگونه تحریف نادرست مصون دانسته است. ایشان درباره انقلاب و نهضت خود در ضمن وصیتی به برادرش محمد بن حنفیه به دو هدف والا اشاره می‌کند که عبارتند از: امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امت جد و پدرش.

دو عامل که نقش بسزایی در عدم همکاری امام حسین علیه السلام و مردم کوفه داشت عبارتند از: الف) قطع رابطه رهبری و جنبش: مهمترین نقش رهبر رسمی یا غیررسمی، القا و پیشنهاد سلوک و مسیر جنبش و تدارک مدلی برای رفتار (تصمیم‌گیری و الگوسازی) شفاف کردن دورنمای جنبش و محوریت وحدت مردم و خروج آنها از سرگردانی است. معاویه و یزید همیشه سعی داشتند که این عامل را همیشه خنثی کنند. در نتیجه، نقش تعیین‌کننده و واسطه میان امام حسین علیه السلام و مردم کوفه که حضرت مسلم بود توسط عبیدالله بن زیاد به شهادت رسید (باقی، ۱۳۹۶، ص ۳۶)؛ ب) فقدان سازماندهی و جنگ روانی: ابن زیاد دستور داد تبلیغات و سخنرانی‌های پی‌درپی را از بالای قصر علیه یاران امام حسین علیه السلام و مسلم بن عقیل ایراد کردند همچنان که در سطح وسیعی انتشار دادند که نیروهای یزید از سوی شام به سوی کوفه در حرکت هستند حال آنکه مردم با خود نیندیشیدند که حتی اگر اصل شایعه صحت داشته باشد سپاه یزید یک‌ماه دیگر به کوفه خواهند رسید و می‌توان در عرض چند ساعت کار عبیدالله را تمام کرد (باقی، ۱۳۹۶، ص ۳۷).

۹. تأثیر اطرافیان امام حسین علیه السلام در تصمیمات ایشان

دونالدسون در کتاب خود می‌گوید: «زمانی که امام حسین علیه السلام به قادسیه رسید حر بن یزید تمیمی به وی برخورد و از حضرت پرسید: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله کجا می‌روی؟ امام علیه السلام پاسخ داد: می‌خواهم به این شهر بزرگ یعنی، کوفه بروم. حر بن یزید ریاحی خبر قتل مسلم بن عقیل را با تمام جزئیات خونبارش به حضرت داد و حر ادامه داد بهتر است بازگردی؛ زیرا امیدی به موفقیت تو نیست. هنگامی که کاروان امام حسین علیه السلام خواستند برگردند برادران مسلم بن عقیل به امام حسین علیه السلام گفتند: به خدا سوگند باز نمی‌گردیم مگر انتقام بگیریم یا در تلاش برای این کار کشته شویم. امام حسین علیه السلام فرمود: زندگی بدون شما برای من معنا ندارد، سپس به حرکت ادامه داد». (دونالدسون، ۱۳۹۵، ۱/۱۸۰) در تحلیل دیدگاه‌های دونالدسون در مورد این جریان باید گفت که یکی دیگر از انحرافات که در بررسی‌های علل قیام امام حسین علیه السلام توسط اسلام‌پژوهان از جمله دونالدسون مطرح می‌شود، این است که امام حسین علیه السلام در ثعلبیه پس از دریافت خبر شهادت

مسلم بن عقیل و هانی بن عروه تصمیم به بازگشت می‌گیرد، ولی فرزندان عقیل یعنی، برادران مسلم برای گرفتن انتقام برادرشان نظر امام حسین علیه السلام را تغییر دادند.

براساس منابع معتبر اسلامی هنگامی امام حسین علیه السلام به ثعلبیه (از منزل گاه‌های میان راه مکه است که از طرف کوفه دوسوم راه می‌شود) دو مرد اسدی به او خبر دادند که یکی از افراد قبیله آنها می‌گوید که پیش از بیرون آمدن از کوفه، کشته شدن مسلم بن عقیل علیه السلام و هانی بن عروه را دیده و کشیده شدن جنازه هایشان را در بازارها مشاهده کرده است. امام حسین علیه السلام فرمود: «انا لله و انا الیه راجعون؛ رحمت خدا بر آنان باد» و این جمله را چندین بار تکرار کرد. آن دو مرد اسدی گفتند: «تورا به خدا قسم که خود و اهل بیتت را دریا ب و از همین جا بازگرد؛ زیرا تو در کوفه نه یآوری داری و نه شیعه‌ای. تازه می‌ترسیم که کوفیان علیه تو باشند. در این هنگام پسران عقیل برخاستند و گفتند: نه! به خدا مقاومت می‌کنیم تا خونمان را بستانیم یا آنچه را که برادرمان چشیده، بچشیم. حسین علیه السلام به آن دو مرد اسدی نگاه کرد و گفت: بعد از اینها هیچ خیری در زندگی نیست. آن دو مرد اسدی نقل می‌کنند: فهمیدیم که حسین علیه السلام و خاندانش بر ادامه راه مصمم هستند. بنابراین، گفتیم: خدا خیرت بدهد و امام علیه السلام در پاسخ گفت: رحمت خدا بر شما باد» (دینوری، ۱۳۷۳، ص ۲۴۷).

به نظر نمی‌رسد برادران مسلم بن عقیل خواسته و یا توانسته باشند در صورت مخالفت امام حسین علیه السلام امام را وادار به رفتن به کوفه کنند به ویژه که دیگران در تحریک امام بر رفتن گفتند: «شما مسلم بن عقیل نیستید. اگر به کوفه بروید مردم به سرعت به شما خواهند پیوست». نکته مهم در این جریان و مواجهه امام حسین علیه السلام با خبر کشته شدن مسلم بن عقیل این است که امام علیه السلام بعد از شنیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل به حکم ضرورت، درباره رفتن به کوفه یا برگشتن به مدینه و یا مکه مطلب را به مشورت گذاشت. در این شورای مشورتی برادران مسلم به امام حسین علیه السلام گفتند: «شیعیان کوفه به طور داوطلبانه نامه‌های فراوانی درباره زعامت و تشکیل حکومت به شما نوشته‌اند و به پشتیبانی این جمعیت انبوه و مشتاق اطمینان داریم». برادران مسلم بن عقیل بدین دلیل که امام در کوفه طرفدارانی دارد و آماده پشتیبانی ایشان هستند و عقیده داشتند که امام به کوفه برود و بر این باور بودند که اگر به کوفه بروند پیروز می‌شوند و در پی

این پیروزی انتقام برادر خود را هم می‌گیرند یا مثل مسلم به شهادت می‌رسند. تنها این پیشنهاد برادران مسلم نبود، بلکه عده‌ای دیگر از یاران امام به ایشان گفتند: «شما مانند مسلم نیستید و اگر وارد کوفه شوید و مردم شما را ببینند به سرعت گرد شما جمع خواهند شد». باید به این نکته مهم هم اشاره کرد که فرزندان عقیل حسین بن علی علیه السلام را فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و امام برحق خود می‌دانستند و تابع امام حسین علیه السلام بودند. بنابراین، اگر امام حسین علیه السلام تصمیم به قیام نداشت آنها نمی‌توانستند ایشان را مجبور به قیام کنند.

در اندیشه سیاسی تشیع، امام هر جا صلاح بداند از نظرات دیگران جویا شده و از آنها بهره‌مند می‌شود، ولی مشروعیت امام مشروط بر مشورت‌پذیری او نیست. در شب عاشورا وقتی امام حسین علیه السلام روبه فرزندان عقیل کرد و فرمود: «کشته شدن مسلم برای شما بس است، من به شما اجازه دادم بروید». آنها در پاسخ امام گفتند: «مردم چه می‌گویند؟ می‌گویند ما سید و سرور و پسرعموهای خود را که بهترین عموها هستند، رها کردیم. نه تیری با آنها یرتاب کردیم و نه نیزه‌ای در کنارشان زدیم و نه شمشیری در راهشان کشیدیم و نمی‌دانیم چه کردند. نه! به خدا قسم که این کار را نمی‌کنیم، بلکه جان و مال و عیال خود را فدای تو می‌کنیم و درکنار تو می‌جنگیم تا آنچه به تو می‌رسد به ما هم‌چنین بعد از خبر کشته شدن مسلم بن عقیل هم برسد. خداوند زندگی پس از تو را زشت و نابود گرداند». خبر شهادت دیگر فرستادگانش مانند قیس بن مسهر و عبدالله بن یقطر، برادر رضاعی امام حسین علیه السلام نیز به امام حسین علیه السلام رسید. این اخبار اوضاع آشفته کوفه را بیش از پیش برای امام آشکار کرد و به اطرافیانش فرمود: «شیعیان ما، ما را تنها گذاشتند هرکدام از شما می‌خواهد از همین جا بازگردد». در اینجا بود که شماری از کسانی که در نیمه راه به امام حسین علیه السلام پیوسته بودند، بازگشتند و فقط یاران خاص امام باقی ماندند. بنابراین، امام حسین علیه السلام اگر قصد بازگشت داشت بعد از محرز شدن اوضاع آشفته کوفه از همین نقطه باز می‌گشت. امام علیه السلام بعد از این مرحله نیز به حرکت خود ادامه داد و برای ادامه دادن این مسیر قاطع بود (غلامی، ۱۳۹۸، ص ۹۷).

۱۰. واقعه کربلا و مصیبت ایرانیان

دونالدسون به تبعیت از دیگر خاورشناسان، افسانه علاقه‌مندی ایرانیان به امام حسین علیه السلام به دلیل ازدواج با دختر یزدگرد ساسانی را تکرار می‌کند. او پس از بیان واقعه عاشورا درباره عزاداری ایرانیان به مناسبت روز عاشورا می‌گوید: «اما ایرانیان به زمین کربلا به دیده احترام بسیار می‌نگرند. جایی که جنازه حسین علیه السلام پایمال اسب‌ها شد. آنها می‌گویند که یکی از همسران او، دختر یزدگرد آخرین دختر پادشاه ساسانی بود. بنابراین، شهادت او را در کربلا مصیبت ملی بزرگی به‌شمار می‌آورند که خاطره آن‌را با تعزیه‌داری‌های بسیار و نمایش اسیران در ماه محرم زنده نگه می‌دارند» (دونالدسون، ۱۳۹۵، ۱۸۳/۱). اگرچه معروف است که مادر امام سجاد علیه السلام شاهزاده‌ای ایرانی به نام شهربانوست، اما مطالعات نشان داده است که اسناد مربوط به این داستان موثق نیست و احتمال جعلی بودن آن بسیار است. قدیمی‌ترین سندی که گفته است شهربانو در جنگ مسلمانان با ایرانیان اسیر شد و او را به مدینه نزد عمر بردند، بصائرالدرجات تألیف محمد بن حسن بن فروخ صفار است. پس از او کلینی در اصول کافی روایتی به این مضمون آورده است. این روایات از نظر سند و محتوا پذیرفتنی نیست یا در پذیرش آن می‌توان تردید کرد (شهبیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۱). استاد مطهری با نقد و بررسی آثار افرادی مانند ادوارد براون، کریستین سن و سعید نفیسی و... این ازدواج را از نظر تاریخی مشکوک می‌داند. گروهی نیز با تأیید این ازدواج در مصداق آن بحث دارند و همسر امام علیه السلام را فرد دیگری غیر از دختر یزدگرد و از بزرگ‌زادگان ایرانی می‌دانند. احترام مردم ایران به ائمه به سبب انتساب آنها به خاندان ساسانی نیست؛ زیرا دختران این خاندان با امویان و جز آن نیز ازدواج کرده‌اند (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۰۶).

۱۱. نتیجه‌گیری

دوایت دونالدسون در کتاب مذهب شیعه در فصل هفتم و هشتم به معرفی امام حسین علیه السلام و حوادث زمان امامت ایشان و قیام عاشورا می‌پردازد. او در معرفی حضرت، شخصیت امام حسین علیه السلام و توصیف و تبیین وقایع مربوط به ایشان و حادثه کربلا از منابع مستشرقانی مانند

لامنس و روایاتی از منابع اهل سنت بهره برده است که فاقد اعتبار لازم برای یک تحقیق و مطالعه علمی است. عدم استفاده از منابع قدیمی و معتبر شیعه در موضوعات مربوط به شیعه، یکی از اساسی‌ترین اشکال‌های مطالعات مستشرقان است.

فهرست منابع

۱. ابن شبه نمیری، عمر بن شبه (۱۴۱۰). تاریخ المدینه المنوره. قم: دار الفکر.
۲. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵). تاریخ مدینه دمشق. بیروت: دار الفکر.
۳. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰). الامامه و السياسه. بیروت: دار الاضواء.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). کامل الزیارات. نجف اشرف: المطبعه المبارکه المرتضویه.
۵. ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۸). سنن الحافظ ابی عبدالله محمد بن یزید القزوینی ابن ماجه. بیروت: دار الجیل.
۶. ابومخنف، لوط بن یحیی (۱۳۸۰). مقتل ابی مخنف. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۷. اخطب خوارزم، موفق بن احمد (۱۳۸۱). مقتل الحسین علیه السلام. قم: انوار الهدی.
۸. باقی، عمادالدین (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی قیام امام حسین علیه السلام و مردم کوفه. تهران: سرایی.
۹. بدوی، عبدالرحمن (۱۳۷۷). دایره‌المعارف مستشرقان. مترجم: طباطبایی، صالح. تهران: انتشارات روزنه.
۱۰. پیشوایی، مهدی (۱۳۸۹). تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۱. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹). الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی. قاهره: دار الحدیث.
۱۲. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۵). دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
۱۳. دونالدسون، دوایت (۱۳۹۵). مذهب شیعه: تاریخ اسلام در ایران و عراق. مترجم: احمدوند، عباس. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه. معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی.
۱۴. دینوری، احمد بن داود (۱۳۷۳). الاخبار الطوال. قم: الشریف الرضی.
۱۵. شاکر، محمدکاظم (۱۴۰۰). قرآن و مستشرقان. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۶. شهیدی، جعفر (۱۳۸۰). زندگانی علی بن الحسین علیه السلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا). اعلام الوری باعلام الهدی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۸. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الطبری. بیروت: بی‌نا.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴). الامالی. قم: دار الثقافه.
۲۰. علی محمدی، علی (۱۳۹۵). پژوهش‌های شرق‌شناسان درباره امام حسن علیه السلام، نقد و بررسی کتاب مذهب شیعه دونالدسن. نشریه آینه پژوهش، (۳۱)، ۱۸۴-۲۵۹، ۲۷۹.
۲۱. غلامی، فهیمه (۱۳۹۸). تصویر امام حسین علیه السلام از منظر اسلام‌شناسان غربی از قرن نوزده تا کنون. بی‌جا: بی‌نا.
۲۲. قمی، عباس (۱۳۷۹). نفس المهموم فی مصیبه سیدنا الحسین المظلوم. قم: المکتبه الحیدریه.
۲۳. گروه مؤلفان، و مترجمان (۱۳۷۶). فرهنگ خاورشناسان: زندگینامه و کتاب‌شناسی ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



۲۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). بحار الانوار. تحقیق: بهبودی، محمدباقر. بیروت: مؤسسه الوفا.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸). دانش نامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ. مترجم: مسعودی، عبدالهادی، و دیگران. قم: دار الحدیث.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا.
۲۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۲۸. مفرم، عبدالرزاق (۱۴۲۶). مقتل الحسین علیه السلام. بیروت: مؤسسه الخرسان للمطبوعات.
۲۹. الویری، محسن (۱۳۸۱). مطالعات اسلامی در غرب. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).